

## خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها



### خطبتهای علیها السلام بعد غصب فدک

روی آنکه لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلِيَّ مَنَعَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَدَكَ وَأَبْلَغَهَا ذَلِكَ، لَأْتَتْ خَمَارَهَا عَلِيَّ رَأْسَهَا، وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا، وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفْدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا، تَطَأُ ذِيُولَهَا، مَا تَخْرَمُ مَشِيَّتَهَا مَشِيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَخَلَتْ عَلِيَّ أَبِي بَكْرٍ، وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ، فَنَيْطَتْ دُونَهَا مَلَاءَةً فَجَلَسَتْ، ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبِكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَمَهَلَتْ هَنِيئَةً .

حتیٰ اذا سكن نشیج القوم و هدأت فورتهم، افتتحت الکلام بحمدالله و الثناء علیه و الصلاة علی رسولہ، فعاد القوم فی بکائهم، فلما أمسکوا عادت فی کلامها فقالت علیها السلام :

### خطبه آن حضرت بعد از غصب فدک

روایت شده: هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس به تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد، در حالی که چادرش به زمین کشیده می شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد به سختی به جنبش درآمد .

سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود :

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عَمُومٍ نَعِمٍ اِئْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحِ الْإِئْسَادِهَا، وَ تَمَامِ مَنَنِ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْأَخْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا، وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْأَدْرَاكِ أَبَدُهَا، وَ نَدْبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَائِهَا، وَ تَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْأَخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُتَمَنِّعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُفَيْتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسَنِ صِفَتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ .

إِنْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَاخْتِدَاءٍ أَمْثَلُهُ إِمْتَنَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَذَرَأَهَا بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي تَصْنُوبِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ وَتَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَتَعَبُّدًا لِبِرِّيَّتِهِ، وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِعْمَتِهِ وَحَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ .

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگزاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گسترده‌گی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد .

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن و صل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از و صفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند. موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شنا سائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگان را از نعمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد .

هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلا شگر، و کوشش‌کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید.

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ يُجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُنْتَعَنَّهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَفْرُوتَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِخَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ .

إِنْتَعَنَتُهُ اللَّهُ إِنَّمَا لِلْأَمْرِ، وَ عَزِيمَةٌ عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرَاقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا .

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَتَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَتَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّتَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ .

ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ اِيثارٍ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اِلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجَاوِزَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ آمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده او ست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات .

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشیهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند .

پس خدای بزرگ بو سیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را رو شن، و م شکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود .



تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فرا گرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی براو باد .

ثم التفت الى اهل المجلس و قالت :

آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام رو به مردم کرده و فرمود :

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَهُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بَلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ، زَعِيمٌ حَقٌّ لَكُمْ فِيكُمْ، وَ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدَةٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدَّةٌ إِلَى النِّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ .

به تَنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ قَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَةُ الْمُؤَهَّبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهایید، زمامدار حق در میان شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی شما فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشند، بیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است .

بو سیله آن می‌توان به حجت‌های نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.

آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید،

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْزِيهاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ .

وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ مَنَاماً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِيَامَ حِفْظاً لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيفاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ .

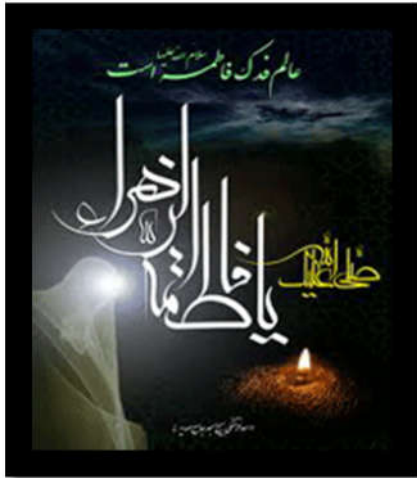
وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ إِجْبَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ .

فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن دین و آیین، و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد .

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صلّه ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم فروشی مقرر فرمود .

و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند .



پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه م‌سلمان با شید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خدا می‌ترسند .

ثم قالت :

أَيُّهَا النَّاسُ! اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ .

فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رَجَالِكُمْ،

وَ لَنِعْمَ الْمَعْزَى إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَهِي، فَبَلَغَ الرَّسَالَهَ صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَا بَلَغَ عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجِّهَهُمْ، اخِذًا بِأَكْطَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ لَوَا الدُّبْرَ .

حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صَبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَفَاقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ أَنْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفْرِ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ .

آنگاه فرمود :

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطف است .

پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانان برادر پسر عموی من است .

چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم، رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه‌توزان را می‌شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند .

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند .

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید

وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدْقِقَةَ الشَّارِبِ، وَ نَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبْ سَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَدْلَهُ خَاسِسِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَطِفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتَى، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَىٰ بِهِمِ الرَّجَالِ، وَ ذُفْبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ .

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ قَرْنَ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتِ فَاغِرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيءُ حَتَّىٰ يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ، وَ يَخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمَرًا نَاصِحًا مُجِدًّا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَئِيمٍ .

وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيئِهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَ ادْعُونَ فَاكِهِونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید .

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموش شش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا ازدهائی از م شرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاشگر، و کوشش‌کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید. و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید .

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَنَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلَ جَلْبَابَ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاطِمِ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلَ الْأَقْلِيْنَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقَ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرِّ صَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانَ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حِطِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِيفَاءً، وَ أَحْمَ شَكْمَ فَاَلْفَاكُمْ غِضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبْلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ .

هَذَا، وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُفْبَرُ، ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ .

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَكَيْفَ بِكُمْ، وَأَنَّى تُؤْفَكُونَ، وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَغْيَرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِنُصْرَةِ الظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.



و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب و ادا شت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید .

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و برآستی جهنم کافران را احاطه نموده است .

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی شما ست، آموزش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود .

اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد. چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند،

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثِ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرَتَهَا، وَ يَسْلَسُ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَ قَدْتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَيْتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسَبِّرُونَ حَسَنًا فِي ارْتِغَاءٍ، وَ تَمَشُّونَ لِأَهْلِهِ وَ وَكِدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى، وَ وَخْزِ السِّنَانِ فِي الْحِشَا .

وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْتِ لَنَا أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنَّى ابْنَتْهُ .

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبَ عَلَيَّ ارْتِي؟ يَا بَنَ أَبَى قُحَافَةَ! أَمَا كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثُ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا، أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (۱) وَ قَالَ فِيمَا افْتَصَّ مِنْ خَيْرِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، (۲) وَ قَالَ: «وَ اؤْتُوا الْأَرْحَامَ بِغَضَبِهِمْ أُولَىٰ بِبَغْضِي فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (۳) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»، (۴) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادِ ذَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (۵)

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر برآن و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم .

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم .

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویید « سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خوی شاونندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان و وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران .»

وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةٌ لِي، وَ لَا أَرِثُ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنِنَا، أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيَّةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تُقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي

وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَذُوقْهَا مَخْطُومَةً مَرْحُومَةً تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ.

فَيَعْمَ الْحَكْمَ اللَّهُ، وَ الرَّعِيمَ مُحَمَّدًا، وَ الْمَوْعِدَ الْقِيَامَةَ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْ سِرُّ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدِمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ.

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و



یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد .

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود.

ثم رمت بظرفها نحو الانصار، فقالت:

آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:



يا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَ أَعْضَادِ الْمِلَّةِ وَ حَصَنَةِ الْإِسْلَامِ! ما هَذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَّةُ عَنْ ظِلْمَتِي؟ أما كانَ رَ سُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ أَبِي يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»، سَرَّعَانَ ما أَحَدْتُنَّمْ وَ عَجَلانَ ذا إِهالَةٍ، وَ لَكُمْ طاقَةٌ بما أَحاولُ، وَ قُوَّةٌ عَلَي ما أَطْلُبُ وَ أَزاولُ .

أَتَقُولُونَ ما مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطَبُ جَلِيلٍ إِ سْتَوْ سَعَ وَ هُنَّةً، وَ اسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْقَهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كَ سِفَتِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمَ صِيبَتِهِ، وَ أَكْدَتِ الْأَمالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبالُ، وَ أَضِيعَ الْحَرِيمُ، وَ أَزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ مَماتِهِ .

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمَصِيبَةُ الْعُظْمَى، لا مِثْلَها نازِلَةٌ، وَ لا بائِقَةٌ عاجِلَةٌ أُعْلِنَ بِها، كِتابُ اللَّهِ جَلَّ تَنافُؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ، وَ فِي مَمَسائِكُمْ وَ مَصْبِحِكُمْ، يَهْتِفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتافاً وَ صَراخاً وَ تِلاوَةً وَ أَلحاناً، وَ لَقَبْلَهُ ما حَلَّ بِأَنْبِياءِ اللَّهِ وَ رُسلِهِ، حُكْمٌ فَصْلٌ وَ قِضاءٌ حَتْمٌ .

«وَ ما مُحَمَّدٌ إِلا رَسولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفانُ ماتَ أَوْ قَتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَي أَعقابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَي عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (٦)

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هر کس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصد می‌باشد .

آیا می گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت و سعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سرا سر تاریک گردید، و ستارگان بی فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فرو ریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند .

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می فرماید :

محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری در گذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی گردید، و آنکس که به عقب برگردد بخدا زبانی نمی رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد .»

پس خلافت را بگیری، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله ور خدا که بر قلبها احاطه می یابد متصل است. آنچه می کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می دانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت،

ایها بنی قیله! اء اھضم ثراث ابي و انتم بمرأى منى و مسمع و مندى و مجمع، تلبيسكم الدعوة و تشملكم الخبرة، و انتم ذوو العدد و العدة و الاداء و القوة، و عندكم السلاح و الجنة، توافيكم الدعوة فلا تجيبون، و تأييدكم الصرخة فلا تغيثون، و انتم موصوفون بالكفاح، معرووفون بالخير و الصلاح، و النخبة التي انتخبتم، و الخيرة التي اختيرت لنا اهل البيت .

قاتلتهم العرب، و تحملتكم الكد و التعب، و ناطحتكم اللمم، و كافحتهم البهيم، لا تبرح او تبرحون، نأمركم فتأتمرون، حتى اذا دارت بنا رحي اليا سلام، و در حلب اليا سلام، و خضعت نغرة الشرك، و سكنت فورة اليا سلام، و خدمت نيران الكفر، و هدأت دعوته الهرج، و استوسق نظام الدين، فاني جزتم بعد البيان، و اسررتهم بعد الاعلان، و نكصتم بعد الاقدام، و اسررتهم بعد اليا سلام؟

بؤسا لقوم نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم، و همؤا باخراج الرسول و هم بدؤكم اول مرة، انخشونهم فالله احق ان تخشوه ان كنتم مومنين .

ای پسران قیله- گروه از صار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می بینید و سخن مرا می شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره اید، و دارای ابزار و قوه اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می رسد ولی جواب نمی دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید !

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره های شرک آمیز خاموش

شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرار تان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانیدید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان، شرک آوردید.



وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شک ستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارید در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید .

أَلَا، وَ قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبَعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيْقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَّعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ .

أَلَا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَىٰ مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِدْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ، وَ الْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةٌ النَّفْسِ، وَ نَفْتَةٌ الْغَيْظِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاءِ، وَ بَنَّةُ الصِّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحَجَّةِ، فَادُونَكُمْوهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخَفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَّارِ وَ سَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفِيدَةِ .

فَعِيعِينَ اللَّهُ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا إِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ أَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ .

آگاه باشید می بینم که به تن آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فرورده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی نیاز و ستوده است .

آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جو شش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جو شش سینه ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله ور خدا که بر قلبها احاطه می یابد متصل است. آنچه می کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می دانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هر چه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می بریم .

و خداوند در سهمیه هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده،

فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ عَثْمَانَ، وَ قَالَ :

آنگاه ابوبکر پاسخ داد :

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُو بَكْرٍ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَنَاءَ وَ جَدْنَاءَ أَبِيكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ أَخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخْلَاءِ، أَثَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعِدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدًا، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيًّا بَعِيدًا .

فَأَنْتُمْ عِنْتَهُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُنتَجِبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدَلَّتْنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ .

وَ اللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَ شِيرِ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَارًا وَ لَا عِقَارًا، وَ إِنَّمَا نُورَثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النُّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلْيُولِي الْأَمْرَ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ.»

وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَ السَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَ يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَ خَدِي، وَ لَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي، هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَزْوِي عَنْكَ وَ لَا نَدْخِرُ دُونَكَ، وَ أَنْكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةٍ أَبِيكَ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ مَالُكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوَضَعُ فِي فَرْعِكَ وَ أَوْ صُلْبِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرِينَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبِيكَ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ).

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رؤوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند .

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادق مانعی ایجاد نخواهد گردید .



و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گویند، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهییم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولی‌ امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.»

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدیم، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار تو است، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائل انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم؟

فقلت :

سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ، وَيَقْفُو سُورَةَ، أَفْتَجْمَعُونَ إِلَيَّ الْعُدْرَ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهًا بِمَا بَغَى لَهٗ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ.»

بَيِّنَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا وَرَّعَ مِنَ الْاُفْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَ اَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكْرَانِ وَ الْاِنَاثِ، مَا اَزَاحَ بِهِ عَلَيَّ الْمُطْبِلِينَ وَ اَزَالَ التَّنْظِيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلْتُ لَكُمْ اَنْفُسَكُمْ اَمْرًا، فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود :

پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: - زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد.»

و خداوند در سهمیه‌هایی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هایی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است،

بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند .

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما .

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند .

**فقال ابوبکر :**

صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ إِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ  
وَ لَا أَنْكَرُ خِطَابَكَ، هَوْلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا  
مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْتِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ .

**ابوبکر گفت :**

خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند .

**فالتفت فاطمة عليها السلام الى النساء، و قالت :**

مَعَا شِرَآءِ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْلِمِينَ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ، الْمَغُضِيَّةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ  
أَفْغَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ  
شَرٌّ مَا مِنْهُ إِغْتَضْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا، وَ غِيبَةً وَ بِيَلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الْخُرَّاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ  
رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ .

**آنگاه حضرت فاطمه عليها السلام رو به مردم کرده و فرمود :**

ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بد چیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و

زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجا ست که اهل باطل زیانکار گردند .

ثم عطفت علی قبر النبی صلی الله علیه و آله، و قالت :

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الْخُطْبُ  
إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَابِلَهَا - وَ اخْتَلَّ قَوْمَكَ فَأَشْهَدُهُمْ وَ لَا تَغِبُ  
وَ كُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ - عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرِبُ  
أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ  
تَجَهَّمْتُنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا - لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرِثِ مُغْتَصَبُ  
وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ  
وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُنْسِنَا - فَقَدْ فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُخْتَجِبُ  
فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقْنَا - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ  
سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود :

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد .

ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند .

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما .

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند .

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد .

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید .

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد .

ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد .

ثم انكفأت عليها السلام و اميرالمؤمنين عليه السلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه، فلما استقرت بها الدار،  
قالت لاميرالمؤمنين عليهما السلام :

آنگاه حضرت فاطمه عليها السلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیه السلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیه السلام فرمود :

يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ ! اِسْتَمَلْتَ سِمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيْشُ الْأَعْزَلِ .

هذا ابنُ أبي قحافةً يبتزني نخلة أبي و بلغه ابني! لقد أجهر في خصامي و ألفتني الد في كلامي حتى حبستني قبلة نصرها  
و المهاجرة وصلها، و غصت الجماعة دوني طرفها، فلا دافع و لا مانع، خرجت كاظمة، و عدت راغمة .

أضرعت حدك يوم أضعت حدك، إفرست الدتاب و أفرست التراب، ما كففت قائلًا و لا أغنيت باطلاً و لا خيار لي، ليتني  
مت قبل هنيئتي و دون دلتى، عذيري الله منك عادياً و منك حامياً.

ويلاي في كل شارق، ويلاي في كل غارب، مات العمد و وهن العصد، شكواي إلى أبي و عدواي إلى ربّي، اللهم أنك أشد  
منهم قوة و حولًا، و أشد بأسًا و تنكيلاً.

ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته‌ای، شاه‌پره‌های شاهین را شکسته، و حال آنکه پره‌های کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال و وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه‌توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم .

آروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشستی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می‌گویم خداوندا عذر می‌خواهم، و یاری و کمک از جانب توست .

از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است .

فقال اميرالمؤمنين عليه السلام :



لَا وَئِيلَ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِسَانَكَ، نَهْنِهْنِي عَنْ وُجْدِكَ، يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ وَبَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ، فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي، وَلَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقِكَ مَضْمُونٌ، وَكَفَيْلِكَ مَأْمُونٌ، وَمَا أَعِدُّ لَكَ أَفْضَلَ مِمَّا قَطَعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

شاید بسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمنی ستمگر تو ست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن .

فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ أَمْسَكَتْ.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد.

پی نوشت:

1- النمل: ۱۶

2- مریم: ۶

3- الاحزاب: ۶ .

4- النساء: ۱۱ .

5- البقره: ۱۸۰ .

6- آل عمران: ۱۴۴.

بخش تاریخ و سیره معصومین تبیان

منبع: مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت عليهم السلام.